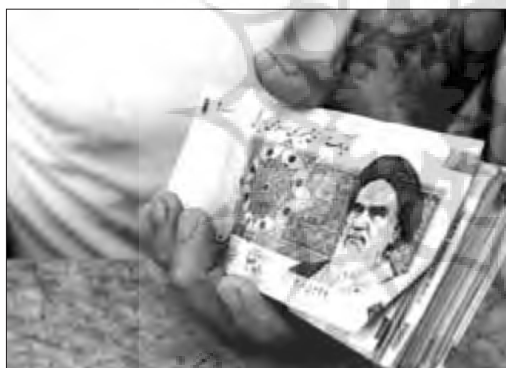


# چالش تأمین مالی بخش خصوصی با ترکیب سهام بانک‌های فعلی



محمد وطن پور  
کارشناس ارشد اقتصاد

عمومی فعالان اقتصادی آسیب‌شناسی کرد. آیا میزان پول موجود در کشور برای انجام تعهدات و رشد اقتصادی کشور کافی است یا مشکل در جایی دیگر است؟ اگر چه پاسخ به این سؤال یک رویکرد علمی در عرضه و تقاضای پول را می‌طلبد، اما در یک نگاه کلی و عام برگرفته از ادبیات اقتصادی، می‌توان ملاحظه نمود که اقشار مردم و خواص جامعه در اشکال شخصیت‌های حقوقی (سهامی خاص یا عام) مالک بخش عظیمی از منابع مالی و پولی کشور شده‌اند. شاید بتوان در رویکردی دیگر چنین بیان کرد که



حضور واحد‌های غیر تخصصی در بخش پولی کشور، حاوی پیام‌های هشدار دهنده‌ای برای بانک مرکزی است.

مردم در سطح خرد  
چاره‌ای ندارند جز  
اینکه پول‌های خود  
را نزد مؤسسات  
مالی و پولی، در  
قالب بانک‌ها،  
نگهداری نمایند،  
ولی این تنها مدیران،  
سهامداران عمده  
و سیاستگذاران  
هستند که جریان  
تخصیص اعتبارات  
و مدیریت منابع  
بانک‌ها را در اختیار  
دارند.

مردم جوامع مدرن و نیمه مدرن در سطح خرد چاره‌ای ندارند جز اینکه پول خود را نزد مؤسسات مالی و پولی (در قالب بانک و ...) نگهداری نمایند، ولی این تنها مدیران، سهامداران عمده و سیاستگذاران پولی هستند که جریان تخصیص اعتبارات و مدیریت منابع بانک‌ها را برعهده دارند.

با نگاهی به چند سال اخیر می‌توان مشاهده کرد که مدیریت این بنگاه‌های تخصصی که کاملاً باید کار تکنوکراتیک (اداری) انجام دهند، در عمل در دست نهادهای غیر تخصصی (نسبت به امور مالی و ...) قرار گرفته است. به عبارت دیگر، بسیاری از نهادهای امنیتی، نظامی و عقیدتی، با راه‌اندازی و تأسیس مؤسسات مالی، بانک و ... بخش عظیمی از منابع پولی کشور را مدیریت می‌نمایند.

در حال حاضر، این باور عمومی به وجود آمده است که اهمیت یک نهاد حکومتی، در داشتن یک مؤسسه مالی و اعتباری یا بانک است تا مسؤولان بتوانند اوامر مالی و

## مقدمه

نظام پولی کشور، شبیه شبکه انتقال خون در موجودات زنده است. پول در اقتصاد یک کشور، نقشی منحصر به فرد دارد و تقریباً هیچ فعال اقتصادی نمی‌تواند بدون استفاده از آن، اهداف خود را محقق کند و به همین دلیل است که نظارت‌های ویژه‌ای در جهت ایجاد سلامت و تحقق اهداف نظام پولی کشورها در سطح ملی یا بین‌المللی برقرار شده است.

تقریباً تمامی کشورهای دنیا دارای بانک مرکزی هستند و صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی (WB) از معدود نهادهای فراگیر می‌باشند که بر روند خلق و تخصیص پول‌های مختلف ارزش آنها نظارت و سیاست‌گذاری می‌کنند.

اما این همه بحث نیست؛ اوضاع اقتصاد ایران را شاید بتوان تا حدودی از طریق نظام پولی آن نیز مورد ارزیابی قرار داد و در یک تحلیل اقتصادی-سیاسی و براساس درک

احتیاجات اقتصادی اعوان و انصار خود را از آن طریق برآورد نمایند و در نتیجه، اعطای تسهیلات مصرف‌گرایانه در جامعه برای خریدهای کوچک، رسالت نظام پولی کشور شده است، در صورتی که این عمل و رویکرد، همانا جمع‌آوری پول از دست بانک‌ها و نهادها و مؤسسات پولی حرفه‌ای و تخصیص غیر بهینه آن است.

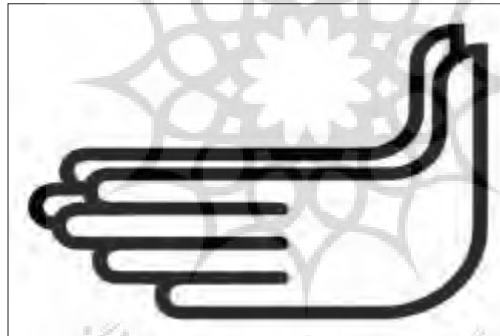
اینکه تمامی مؤسسات غیر تخصصی دارای بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری باشند و تولیدکنندگان با کمبود نقدینگی و کاهش تولید و معوق شدن مطالبات بانک‌های تخصصی یا توسعه‌ای دست و پنجه نرم کنند، حاصل بی‌تدبیری یا بدتدبیری مسؤولان پولی کشور است که نیازمند بازنگری در عملکرد و نظارت دقیق‌تر بر نظم پولی است. از طرف دیگر، اصناف تولیدی و تجاری، فاقد مؤسسات مالی و اعتباری یا بانک هستند. این امر نیز به نوعی بیانگر عدم اعتماد مسؤولان به تولیدکنندگان مستقل برای داشتن استقلال پولی و مالی است که خود عاملی برای عدم بهبود فضای کسب و کار و تولید بشمار می‌رود.

### اما راهکارهای پیشنهادی

۱- تمرکز فعالیت‌های مالی نهادهای نظامی و انتظامی و امنیتی در یک مؤسسه تخصصی صنفی: تجربه تأسیس بانک سپه و خدمت‌رسانی وسیع این نهاد با قدمت، خود

حکومت، بخش عظیمی از بار تأمین مالی پروژه‌های کشور را بر دوش بکشند، به‌جای اینکه همچون وضعیت فعلی همیشه چشم به راه "رانت‌های دولتی" در مؤسسات مالی حکومتی یا دولتی یا تحت‌کلید دولت باشند، البته در حقیقت این امر منجر به توزیع ثروت، قدرت و بسط آزادی عمل اجتماعی آنها نیز خواهد شد.

۳- راه‌اندازی کنسرسیوم‌های ایرانی برای تأسیس بانک مشترک خارجی- ایرانی: اینکه تجار کشور مستقل از سیاست‌های کم و زیاد و متغیر دولت، بتوانند مسؤولیت تأمین تمامی نیازهای پولی خود در فعالیت‌های تجاری را برعهده بگیرند، امری دشوار است، ولی راه‌اندازی چنین مؤسسات پولی مشترکی با سرمایه مشترک، می‌تواند تا حدودی موجب گردد که عقلانیت اقتصادی در رفتار سیاسی و اقتصادی سیاست‌گذاران رشد نماید و دستیابی به ثبات سیاسی و بین‌المللی برای اقتصاد کشور را سهل‌تر نماید. به همین منظور، کشورهای عمده که طرف‌های فعالان اقتصادی هستند، می‌توانند تجربه مناسبی برای شروع اینگونه مؤسسات باشند، نه اینکه همچون تجربه بانک مشترک ایران- ونزوئلا، یک بانک تمام‌دولتی وارد سرمایه‌گذاری شود، در صورتی که وظیفه قبلی و اصلی سرمایه‌گذار نیز همان بود که هست. در حقیقت، آن بانک یک شعبه از بانک سرمایه‌گذار ایرانی است و لاغیر و این امر حاصل تفسیر به رأی ماده ۵ قانون اجرای



سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، یا نشانه بی‌اعتمادی به بخش خصوصی است که عدم توجیه اقتصادی آن بانک را موجب می‌شود.

در پایان، شایان ذکر است که:

(۱) اهمیت وظایف هر یک از بخش‌های حاکمیت، دلیلی بر ورود آن بخش به بازار پولی کشور نخواهد بود.

(۲) حضور واحدهای غیر تخصصی در بخش پولی کشور، نشان‌دهنده عدم استقلال بانک مرکزی و غیر تخصصی و غیر حرفه‌ای شدن مدیریت و نظارت در بخش پولی کشور است.

(۳) گسترش فعالیت بانک‌های حرفه‌ای و تخصصی، تأمین‌کننده اهداف توسعه کشور خواهد بود.

(۴) "جلوی ضرر را از هر کجا که بگیریم، منفعت است" و عدم شجاعت در شفاف کردن جایگاه و عملکرد این مؤسسات، خود می‌تواند آینده رشد اقتصادی کشور را به چالش بکشد.

برگ برنده‌ای در نظام بانکی کشور تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، تأسیس یا گسترش یک بانک مستقل، به شرط تمرکز همه این فعالیت‌ها، می‌تواند مانع چند دستگی در تخصیص منابع و سرریز شدن مازاد این منابع در بخش‌های دیگر شود و صرفه‌جویی ناشی از مقیاس هم‌حداقل توجیه اقتصادی این توصیه است.

۲- تشویق اصناف و فعالان اقتصادی تولیدی و تجاری به تأسیس نهادهای پولی: یکی از راهکارهای رشد بخش‌های مختلف اقتصادی، اعطای مجوز گردش مالی و پولی مستقل به آنها است. اینکه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به اندازه بخش تعاون و صندوق تعاون اجازه تأسیس هیچ بانک مستقل یا مؤسسه مالی و اعتباری را نداشته است، خود نشان‌دهنده ضعف عمده در این خصوص است. پیمانکاران بزرگ و صنعتگران صاحب نشان تجاری و تولید وسیع، می‌توانند تأمین‌کننده منابع پولی یکدیگر باشند و در تعامل با دولت و

درگیر شدن  
تولیدکنندگان با  
کمبود نقدینگی  
و کاهش تولید  
و معوق شدن  
مطالبات بانک‌ها،  
حاصل بی‌تدبیری یا  
بدتدبیری مسؤولان  
پولی کشور است.